

## بررسی محدودیت‌های شناخت

### تحولات ایران عصر سلجوقی

دکتر ناصر صدقی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز

(از ص ۸۷ تا ۱۱۰)

#### چکیده:

شناخت رویدادها و تحولات تاریخی ایران عصر سلجوقی، در قیاس با دیگر ادوار تاریخی ایران دوره اسلامی، به جهت ویژگی‌های خاص حاکم بر تاریخ‌نگاری و منابع تاریخی این دوره، دچار برخی محدودیت‌ها و کاستی‌های اساسی است. فقدان سیاست رسمی دولت سلجوقی در حمایت از تاریخ‌نگاری و دوری غالب مورّخین این دوره از مراکز سیاسی و تصمیم‌گیری‌های حکومتی و به تبع آن، عدم دسترسی آنان به اسناد، اخبار و رویدادهای مرتبط با سیاست‌های دولت، منجر به آن شده است که تاریخ‌نگاری عصر سلجوقی، متکی بر مجموعه‌ای از اخبار کلی و پراکنده از رخدادهای تاریخی این دوره باشد. همچنین غالب آثار موجود تاریخی این دوره در اواخر حکومت سلجوقیان عراق و در غرب قلمرو سلجوقیان در حوزه‌های اداری و سیاسی عراقین عرب و عجم به نگارش درآمده و این امر، منجر به آن شده است که ما در مورد نیمه اول حکومت سلجوقیان و تحولات نواحی شرقی قلمرو آنان اطلاعاتی اندک و پراکنده داشته باشیم. علاوه بر این‌ها، متأسفانه تعدادی از مهم‌ترین آثار تاریخی تألیف یافته در عصر سلجوقی در گذر زمان از بین رفته و تنها اسامی و برخی اخبار کلی از آنها در معدودی از آثار تاریخی و ادبی متأخر باقی مانده و همین مسئله هم مشکلات شناخت تاریخ تحولات این دوره را مضاعف کرده است.

واژه‌های کلیدی: ایران عصر سلجوقی، منابع تاریخی، شناخت تاریخی.

## مقدمه:

اصولاً بین شناخت تحولات یک دوره تاریخی و منابع تاریخی متعلق به آن، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. هر اندازه آثار و منابع تاریخی یک دوره و کیفیت، فراگیری و تنوع اطلاعات ارائه شده در آنها بیشتر باشد، به همان اندازه شناخت تاریخی حاصل از تحولات آن دوره، قابل توجه خواهد بود. وقتی از این دیدگاه، آثار و منابع تاریخی عصر سلجوقی و میزان شناخت تاریخی حاصل از آنها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، شاهد برخی محدودیت‌ها و کاستی‌ها در کیفیت و میزان اطلاعات و اخبار ارائه شده در منابع تاریخی این دوره هستیم؛ مسئله‌ای که شناخت و بررسی تحولات تاریخی جامعه ایران عصر سلجوقی را دچار محدودیت‌ها و مشکلات خاص می‌کند. البته این بررسی به معنای نادیده گرفتن ارزش منابع تاریخی عصر سلجوقی و اطلاعات تاریخی ارائه شده در آنها نیست. در این بررسی سعی شده است برخی کاستی‌های موجود در تاریخ‌نگاری این دوره که نشأت گرفته از شرایط و ویژگی‌های زمانی و مکانی است، مورد بررسی قرار گیرد. بخشی از این محدودیت‌ها ناشی از فقدان سیاست رسمی دولت سلجوقی در حمایت از تاریخ‌نگاری بوده و بخش دیگر، ناشی از این مسئله است که غالب تواریخ عمومی و سلسله‌ای موجود عصر سلجوقی در اواخر دوره سلجوقیان و در مناطق غربی قلمرو آنها در عراقین عرب و عجم تألیف یافته است. تحت تأثیر این دو عامل، از یک سو منابع تاریخی عصر سلجوقی مشتمل بر اخبار مجمل و کلی بوده و از تفصیل اخبار رویدادهای مراکز حکومتی و جامعه بی‌بهره است و از دیگر سو، غالب اطلاعات موجود در منابع تاریخی این دوره، مربوط به اواخر حکومت سلجوقیان و مناطق غربی قلمرو آنها می‌باشد. مضاف بر اینکه از بین رفتن برخی آثار مهم تاریخی تألیف یافته در این دوره که غالباً مربوط به نیمه اول حکومت سلجوقیان است، کیفیت و سطح دانش تاریخی ما را از تحولات این دوره در مواردی دچار خدشه و محدودیت می‌کند، چرا که فقدان این منابع منجر به آن شده است که ما درباره بخش اعظم تحولات دوره سلجوقی اطلاعات اندک و کلی داشته باشیم.

## الف) علل و تبعات عدم حمایت دولت سلجوقی از تاریخ‌نگاری:

سلجوقیان علی‌رغم اینکه امپراطوری عظیم و گسترده‌ای از جیحون تا شام تشکیل

دادند و منشأ تحولات عظیمی شدند، مبادرت به ثبت اخبار اقدامات و فعالیت‌های خود نکردند. آنها گرچه در سطحی گسترده، به حمایت از علمای دینی پرداختند و شعرای درباری متعددی را پرورش داده و مورد حمایت قرار دادند،<sup>(۱)</sup> اما نسبت به حمایت و پرورش مورّخین رسمی و درباری اقدام خاصی نکردند. یکی از مشخصه‌های اساسی تاریخ‌نگاری عصر سلجوقی غیر درباری بودن آن است و اینکه کل آثار تاریخی این دوره به استثنای کتاب «ملک نامه»، خارج از فضای دربار به نگارش درآمده است.

اصولاً تألیف آثار تاریخی و کیفیت اخبار نقل شده در آنها و استنساخ و حفظ و نگهداری این آثار در گذشته در ارتباط نزدیک با حمایت‌های مالی و خبری حکومت و مجموعه نظام سیاسی موجود بوده است. به همین خاطر در گذشته تاریخی ایران، بهترین آثار تاریخی از حیث ارزشمندی اخبار و گزارش‌ها در ادواری نگارش یافته که از دو پشتوانه مذکور برخوردار بوده است، یعنی مورّخین عملاً از حمایت‌های مالی حکومت بهره‌مند بوده‌اند و در کنار آن به سهولت به اسناد و مکتوبات دیوانی و درباری و اخبار و مشاهدات افراد تأثیرگذار در نظام سیاسی و جامعه دسترسی داشته‌اند، در حالی که مورّخین عصر سلجوقی از این مزایا محروم بوده‌اند. یکی از مسائل تاریخی مبهم در سیاست سلجوقیان همین چرایی عدم توجه سلجوقیان به مورّخان و تاریخ‌نگاری است.

عدم اقبال سلجوقیان به تاریخ‌نگاری را نمی‌توان به خاستگاه بدوی و قبیله‌ای آنان نسبت داد، چرا که آنان بعد از نبرد دندانقان (۴۳۱ هـ. ق.) در همان ابتدای تشکیل حکومت در خراسان، در دربار چغری بک داود بن سلجوق (۴۵۲-۴۳۱ هـ. ق.)، اولین اثر تاریخی و درباری موسوم به «ملک نامه» را در سرگذشت خاندان سلجوقی با محوریت اقدامات چغری بک داود پدید آوردند.<sup>(۲)</sup> این اثر به روایت یکی از مشایخ ترکان غز موسوم به «امیر اینانج بک» که عالم به انسب و بطون سلجوقیان بوده، (ابن العدیم، ص ۳۲) و توسط «ملک ناصر» (میرخواند، ج ۴، ص ۲۳۵) به نگارش درآمده بود.

این اثر اولین و آخرین اثر تاریخی درباری بود که سلجوقیان در ایران و عراق پدید آوردند. در رابطه با بی‌توجهی سلجوقیان به تاریخ‌نگاری می‌توان فرضیاتی را مطرح کرد. سلجوقیان از همان ابتدای اسلام آوردن در ناحیه «جند» ماوراءالنهر در زمان سلجوق به سال ۳۷۵ هـ. ق. خود را به عنوان غازیان دین مطرح ساخته و به «غزا» علیه هم قبیله‌ای‌های غیر مسلمان خود پرداختند. (ابن اثیر، ج ۸، ص ۶؛ میرخواند، ج ۴، ص ۲۳۶) آنان بعد از

فتح دندانقان و مسجّل ساختن حضورشان در خراسان در مکتوبی که به دربار خلافت بغداد فرستادند، خود را «عبید امیرالمومنین» (بیهقی، ص ۷۳۰؛ اصفهانی، صص ۷-۶؛ نیشابوری، صص ۱۸-۱۷) عنوان کرده و در نقش مسلمانان حنفی مذهب، مبدل به حامیان پرشور دین اسلام و شریعت اهل سنت و خلافت گردیدند. سلجوقیان در حالی به اتخاذ چنین سیاست‌هایی مبادرت می‌کردند که دارای گذشته غیراسلامی مبتنی بر «کفر» و پرستش عناصر طبیعی و تقدّس قائل شدن به عناصر جادویی (اونقون) بودند.<sup>(۳)</sup> در واقع، سلجوقیان بعد از ورود به بلاد اسلامی بین حیات دینی جدیدشان و نقشی که در آن عهده‌دار بودند و حیات قومی و قبیله‌ای سابقشان که مبتنی بر «کفر و الحاد» بود، شاهد تضاد و تقابل اساسی بودند. تصور بر این است که سلجوقیان در ابتدا کوشیدند تضاد مذکور را با تألیف «ملک‌نامه» تعدیل و برطرف سازند؛ اقدامی که بعداً دیگر مشابه آن از طرف سلجوقیان صورت نگرفت و شاید آنان دیگر هیچ علاقه‌ای به آگاهی از گذشته غیر اسلامی خود نداشتند.

با توجه به برخی روایات نادر که در معدودی از آثار متأخر تاریخی درباره سابقه اسلام آوردن سلجوقیان و اجداد آنان وجود دارد، می‌توان احتمال داد که این روایات از طریق کتاب ملک‌نامه مفقوده به آثار مذکور رسیده است. مطابق این روایات، سلجوقیان از زمان «تقاق» پدر سلجوق، در بین قبایل ترکان غیر مسلمان غز و حاکم آنها «بیغو» (yabghu)، با اسلام آشنایی داشته‌اند و تقاق ایمان و اسلام خود را از بیغو پنهان می‌داشته و حتی وی را از حمله به سرزمین‌های اسلام مانع می‌شده است.<sup>(۴)</sup> جالب اینکه بین این خبر و سرگذشت اوغوز در کتاب جامع‌التواریخ و نحوه اسلام آوردن وی شباهت‌های خاص وجود دارد. (رشیدالدین، ج ۱، صص ۴۹-۴۸) اما برخلاف خبر مذکور که شاذ و نادر است و منشأ آن از ملک‌نامه بوده، خبر معمول و متواتر در آثار تاریخی عصر سلجوقی، این است که سلجوقیان در ناحیه «جند» ماوراءالنهر و بعد از جدایی از قبایل ترکان غز به سرکردگی سلجوق با اسلام آشنا شدند و در همانجا به مذهب حنفی گرویدند و حتی برای تعلیم اصول شریعت اسلامی، از حاکم مسلمان جند خواستار عالم دینی هم شدند. (ابن‌اثیر، ج ۸، ص ۶؛ صدرالدین الحسینی، ص ۱؛ ظهیرالدین، ص ۱۰؛ اصفهانی، صص ۳-۱)

سلجوقیان بعد از تشکیل حکومت، به واسطه آشنایی و سازگاری بیشتر با فرهنگ و سنن اسلامی، خود را هرچه بیشتر در سنن دینی جامعه اسلامی ادغام کردند، به همان اندازه از گذشته غیر اسلامی‌شان دورتر شده و نسبت به آن بی‌اعتنایی کامل نشان دادند.

سلجوقیان همان‌طور که ذکر شد به واسطه استفاده از حضور مشایخ مطلع به انساب، از گذشته تاریخی قبیله خودشان آگاه بوده‌اند، اما بعداً تحت تأثیر فضای دینی و معنوی جهان اسلام و نقشی که در آن، عهده‌دار شده بودند، ترجیح دادند نسبت به تاریخ گذشته خود بی‌اعتنا باشند. این در حالی بود که از همان ابتدای تشکیل حکومت از گذشته تاریخی خاندان و قبیله خود آگاه بوده‌اند. برای مثال در همان اوایل حکومت سلجوقیان، محمود کاشغری در سال ۴۶۷ هـ. ق. لغت‌نامه‌ای ترکی - عربی موسوم به «دیوان لغات الترک» پدید آورده که فراتر از یک لغت‌نامه صرف، و در حکم دایرةالمعارف در زبان و ادبیات ترکی و سنن و آداب و رسوم و تاریخ قبایل مختلف ترکان غز قبل از اسلام آوردن آنان بوده است. (کاشغری، صص ۷۴-۹۵) وی اثر مذکور را نه به حکام سلجوقی که خودشان از قبیله «فتق» ترکان غز بودند (کاشغری، ص ۱۰۷؛ ظهیرالدین، ص ۱۰) بلکه به خلیفه عباسی اتحاف کرد. (همان، ص ۷۵) این اقدام نمی‌توانست اتفاقی باشد، چرا که در صورت اقبال سلاطین سلجوقی، کاشغری قطعاً کتاب را که به نوعی متعلق به سنن و گذشته اجداد سلجوقیان بود، به آنان اهداء می‌نمود. حتی بی‌اعتنایی سلجوقیان به ثبت اسطوره‌ها و تاریخ و سنن قبیله‌ای خودشان، به حدی بوده است که می‌بینیم اسطوره‌ها و تاریخ ترکان غز که در ابتدا شکل روایی و شفاهی داشته، در دوره مغول و در کتاب جامع التواریخ حالت مکتوب پیدا می‌کند (رشیدالدین، ج ۱، صص ۴۸-۵۸) یا در دوره ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو است که اولین منظومه حماسی و عرفانی متعلق به ترکان غز به حالت مکتوب در می‌آید. (مشکور، صص ۱۳۷-۱۳۶؛ The v.II, p.1109؛ Encyclopedia of Islam، در حالی که فضای زمانی و مکانی شکل‌گیری اسطوره‌ها و منظومه‌های حماسی مذکور به ماوراءالنهر و ترکستان و قبل از دوره سلجوقیان باز می‌گشت و با یک وقفه طولانی چندین سده بعد در یک فضای جغرافیایی و زمانی متفاوت، حالت مکتوب پیدا کرده بود. این امر، منطقی به نظر می‌رسد که سلجوقیان به واسطه قرابت مکانی و زمانی به محل و منشأ شکل‌گیری اسطوره‌ها و سنن متعلق به ترکان غز، با آنان بهتر آشنا بوده‌اند.

علی‌رغم اینکه آنان بزرگترین نظام سیاسی را به کمک ترکمانان که همگی از ترکان غز بودند، شکل دادند، نسبت به گذشته تاریخی قبایل خودشان بی‌اعتنایی نشان دادند. آیا نمی‌توان گفت که منشأ غیراسلامی سلجوقیان، آنان را در فضای کاملاً مذهبی جهان

اسلام و در حضور خلافت و در کنار نقشی که در ترویج و تبلیغ شریعت اسلامی عهده‌دار شده بودند، مجبور به اتخاذ چنین سیاستی کرد؟ سیاستی که پیامد آن تا حدی منجر به بی‌اعتنایی سلجوقیان به امر تاریخ‌نگاری شد؛ مسئله‌ای که موضوع آن در ارتباط با گذشته بود؛ گذشته‌ای که می‌توانست توجه به آن، به شکل خواسته و ناخواسته به تاریخ و سابقه غیراسلامی سلجوقیان که نقطه ضعف اساسی آنان در فضای جهان اسلام بود، ختم گردد. البته این فرضیه نمی‌تواند کاملاً در برگیرنده علت بی‌توجهی سلجوقیان به امر تاریخ‌نگاری باشد.

فرضیه دیگری که در ارتباط با فرضیه مذکور می‌توان مطرح ساخت، این است که سلجوقیان به واسطه نقش جدیدی که در جامعه اسلامی به عنوان حافظان شریعت اسلامی و خلافت، عهده‌دار شدند، چنان خود را با فرهنگ و سنن اسلامی سازگار کرده و در آن ادغام نمودند که به عنوان مجموعه‌ای از جامعه اسلامی درآمده و دیگر نیاز و ضرورتی به امر نگارش و ثبت اقداماتشان نمی‌دیدند. از دیگر سوی، اقدامات سلجوقیان بعد از دوره حکومت شیعه مذهب آل‌بویه، در حمایت از مذهب تسنن و خلافت و سیاست آنان در اختصاص انواع مزایای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به علما و فقهای دینی و واگذاری مقامات و مناصب دینی حکومتی و انواع «ادارات»، «صلوات»، «معایش»، «ارزاقات» برای آنان و به راه انداختن «غزا» و «جهاد» علیه رومیان و گرجیان و فاطمیان و تعقیب و گرفتاری باطنیان در مرزها و قلمرو جهان اسلام، چنان نویسندگان مسلمان آثار تاریخی این دوره را تحت تأثیر قرار داده بود که جز تأیید و ستایش، موضع دیگری نسبت به سلجوقیان و اقدامات آنان در تألیفاتشان اتخاذ نکرده‌اند.<sup>(۵)</sup>

جالب اینکه نویسندگان آثار تاریخی عصر سلجوقی، در یک موضع مشترک نسبت به گذشته غیراسلامی سلجوقیان، سکوتی معنادار کرده‌اند. تاریخ سلجوقیان در تواریخ اسلامی با اسلام آوردن آنان در زمان سلجوق و خصوصاً بعد از نبرد دندانقان شروع می‌شود. این موضع‌گیری می‌تواند هم ناشی از سیاست سلجوقیان در بی‌اعتنایی نسبت به گذشته غیراسلامی‌شان باشد و هم نشانگر قدردانی مورخین مسلمان نسبت به آنان به واسطه سیاست‌های قاطع و پرشورشان در حمایت از مذهب تسنن و شریعت اسلامی. همین نوع نگرش مورخین مسلمان به اقدامات سلجوقیان باز می‌توانست آنان را از آفرینش آثار تاریخی درباری جهت انعکاس اقدامات و فعالیت‌هایشان در جامعه اسلامی بی‌نیاز سازد.

حتی در دوره روابط بحرانی سلطنت سلجوقی با خلافت، در اواخر حکومت سلجوقیان، در آثار تاریخی این دوره چندان اخبار یا گزارش‌هایی در نکوهش و ذم اقدامات سلاطین سلجوقی علیه خلافت عباسی وجود ندارد. شاید مورخین این دوره تصور می‌کردند قدرت سلجوقیان، بیشتر از خلافت می‌تواند حافظ اسلام در مقابل مخالفان باشد. تنها در یک اثر متأخر غیرسلجوقی است که اقدامات سلجوقیان علیه خلفای عباسی، محکوم و نکوهش شده است.<sup>(۶)</sup> در مجموع، سلجوقیان در پدید آوردن شرایط لازم برای انعکاس سیمایی مقبول و مورد تأیید در آثار تاریخی غیردرباری زمان خود، در خصوص اقدامات سیاسی‌شان در حوزه دین و شریعت موفق بوده‌اند.

علی‌رغم شرایط مذکور، عدم حمایت سلجوقیان از تاریخ‌نگاری درباری و رسمی، منجر به آن شده است که امروزه اطلاعات و آگاهی‌های اندکی درباره شیوه زندگی درباری و دیوانی سلجوقیان و سیاست‌های حکومتی اعمال شده به وسیله آنان در سطح جامعه موجود باشد. سلجوقیان به خاطر فقدان تواریخ رسمی و درباری برای انعکاس اقداماتشان در عرصه‌های حکومت‌داری و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه، ناموفق بوده‌اند. همین مسئله، شناخت اقدامات سلجوقیان را در عرصه‌های حکومت‌داری در دربار و دیوان و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی آنان را در عرصه جامعه، دچار محدودیت‌ها و کاستی‌های اساسی کرده است. برای مثال، اطلاعات قابل توجهی در زمینه شیوه‌های حکومت‌داری سلجوقیان و پایتخت‌های متعدد آنان در مرو، نیشابور، ری، اصفهان و همدان و نحوه رفتار و برخورد آنان با اهل شهرهای مذکور و بلاد مجاور وجود ندارد. کمبود اطلاعات از عملکرد نظام سیاسی سلجوقی نسبت به اهل جامعه در زمینه‌های مختلف، با پراکندگی اطلاعات موجود در نحوه رفتار و زندگی اهل حکومت و سیاست در نواحی مختلف امپراطوری همراه است. برای مثال، از دوران شکوه امپراطوری سلجوقی در دوره سلطان ملک‌شاه (۴۸۵ - ۴۶۵ هـ.ق.) به مرکزیت اصفهان و اقدامات صورت گرفته در این شهر در نحوه ایجاد انواع ابنیه و عمارات دینی و غیردینی مانند مسجد جامع اصفهان و کاخ‌ها و باغ‌ها و کوشک‌ها و رصدخانه مشهور احداث شده در این دوره و بنای قلعه شاهدژ که هزینه‌های عظیمی صرف بنای آنها شده بود، اطلاعات بسیار جزئی و پراکنده‌ای وجود دارد.<sup>(۷)</sup>

همین مسائل درباره دیگر حکام سلجوقی و اقدامات صورت گرفته در دوره آنان و تخت‌گاه‌های حکومتی دیگر هم وجود دارد. حتی اطلاعات موجود از حوزه خراسان و

حکومت بلندمدت سلطان سنجر در آنجا به مرکزیت مرو که بیش از نیم قرن تداوم داشت (۵۵۲-۴۸۶ ه. ق.) در مقایسه با غرب امپراطوری به مراتب کمتر است و هیچ مورخ درباری وجود نداشته است تا تحولات این حوزه مهم را در کنار حوزه‌های دیگر یعنی خوارزم و ماوراءالنهر انعکاس دهد. نبود سیاست رسمی در امر حمایت از تاریخ‌نگاری و عدم دسترسی مورخین به اسناد و اخبار مراکز قدرت، منجر به آن شده است که اخبار و گزارش‌های تواریخ عمومی و سلسله‌ای این دوره تنها محدود به کلیات و دورنمایی از رویدادهای عصر سلجوقی باشد. صرف‌نظر از کیفیت نقل رویدادها و اخبار تاریخی، حجم اطلاعات تاریخی مجموع تواریخ سلسله‌ای این دوره، برای تاریخ صد و پنجاه ساله ایران دوره سلجوقی، با آن قلمرو گسترده و تنوع رویدادها و تحولات، حتی به اندازه حجم اطلاعات بخش باقی‌مانده تاریخ بیهقی هم نیست. این مقایسه به خوبی محدودیت شناخت تحولات عصر سلجوقی را به واسطه کمبود اطلاعات تاریخی در منابع این دوره نشان می‌دهد؛ در عین حال که بخش باقی‌مانده اثر بیهقی، تنها محدود به تحولات خراسان در دوره سلطنت سلطان مسعود بوده و همان هم قابل مقایسه با وسعت زمانی و مکانی تحولات عصر سلجوقی نیست.

مورخین این دوره که در بیرون از فضای دربار و دیوان و مراکز قدرت، آثار خود را به نگارش در می‌آوردند، در امر دسترسی به اسناد و اطلاعات حکومتی، دچار محدودیت‌ها و مشکلات اساسی بوده‌اند و تا اندازه محدودی، از رویدادهای مراکز حکومتی مطلع بوده و به آن دسترسی داشته‌اند. معدود آثاری وجود دارد که مؤلفین آنها توانسته‌اند به برخی اسناد و مکتوبات حکومتی و فرمان‌های سلاطین سلجوقی، به واسطه‌های مختلف دسترسی یافته و بخشی از آنها را انعکاس دهند.<sup>(۸)</sup> مورخین این دوره در واقع تنها توانسته‌اند بخشی از آثار بیرونی اقدامات و عملکرد نظام سیاسی سلجوقی را که در سطح جامعه منتشر شده و بازتاب اجتماعی یافته بود، منعکس کنند. اگر تاریخ‌نگاری رسمی، در پی آن است که اخبار را از درون ساختار قدرت به شکل مفصل و با ثبت جزئیات در سطح جامعه و در بیرون از فضای قدرت منتشر سازد، تاریخ‌نگاری عصر سلجوقی عکس این قاعده عمل کرده است؛ یعنی، به خاطر عدم دسترسی کافی مورخین به اخبار مراکز قدرت و اقدامات صورت گرفته در آن، تنها توانسته‌اند از دور نظاره‌گر اقدامات نظام سیاسی باشند و کلیات و دورنمایی از آن را ثبت و گزارش کنند. معدود آثاری در این دوره وجود دارد که مؤلفین آنها در مراکز



قدرت حضور داشته‌اند.<sup>(۹)</sup>

### ب) محدودیت زمانی و مکانی اخبار منابع تاریخی:

به استثنای تواریخ محلی عصر سلجوقی که هر کدام متعلق به مناطق جغرافیایی خاص هستند، تواریخ عمومی و سلسله‌ای موجود این دوره، از حیث زمان و مکان جغرافیایی تألیف، از قاعده‌ای خاص پیروی می‌کنند و به تبع آن، اطلاعاتشان هم غالباً متمرکز در محدوده‌های زمانی و مکانی خاص است.

نواحی عراق عرب و جزیره به مرکزیت بغداد و موصل، محل تألیف غالب آثار و تواریخ عمومی این دوره محسوب می‌گردند.<sup>(۱۰)</sup> حوزه جغرافیایی عراق عجم یا ناحیه جبال به مرکزیت ری و همدان به عنوان محل تألیف آثار سلسله‌ای و تاریخ‌الوزراهای عصر سلجوقی است.<sup>(۱۱)</sup> نویسندگان و مورّخین این دوره در نقل اخبار رویدادها و تحولات، معمولاً تحت تأثیر محدودیت‌های موجود در منابع اطلاعاتشان، غالباً در اخبار حوزه جغرافیایی محل اقامت و سکونتشان متمرکز شده‌اند. بر همین اساس، اخبار تواریخ عمومی و سلسله‌ای عصر سلجوقی غالباً متمرکز بر تحولات حوزه‌های عراقین عرب و عجم بوده و در مورد تحولات نواحی مرکزی و شرقی ایران، میزان اطلاعات ارائه شده اندک و کلی است. برخلاف سفرنامه‌نویسان و یا مؤلفان مسالک و ممالک و علمای فقه و حدیث و انساب که برای یافتن اخبار مورد نیازشان و جواب مسائلی که جویای آن بودند، دست به مسافرت‌های گسترده و بلندمدت می‌زدند، مورّخان معمولاً عادت بر آن داشتند که در همان محل اقامت خود از طریق منابع در دسترس، به تألیف آثار تاریخی بپردازند. علت تمرکز مورّخین عصر سلجوقی هم در تحولات عراقین عرب و عجم، ناشی از موقعیت این نواحی به عنوان محل حضور مقام خلافت در دارالخلافه بغداد و مرکزیت دینی آن و حضور سلاطین سلجوقی در دارالسلطنه‌های ری، اصفهان و همدان بوده است.

اخبار و اطلاعات ارائه شده از حوزه‌های مذکور و تحولات آنها در آثار تاریخی عصر سلجوقی، در قیاس با حوزه‌های جغرافیایی و اداری دیگر، قابل توجه است. اگر این‌اثیر را از این قاعده مستثنی کنیم، بقیه مورّخین این دوره، هر اندازه که از رویدادهای محل اقامتشان دور می‌شوند از وسعت اطلاعاتشان کاسته می‌گردد و حتی آگاهی آنان

درباره اخبار رویدادهای نواحی مرکزی و شرقی قلمرو سلجوقی، دچار انقطاع می‌گردد. در این میان تنها وسعت اطلاعات ابن‌اثیر، قابل توجه است؛ وی مهارت خاصی در نقل اخبار رویدادهای گستره قلمرو سلجوقی نشان داده و این ویژگی، ناشی از دسترسی ابن‌اثیر به برخی تألیفات حوزه‌های جغرافیایی دیگر بوده است.<sup>(۱۲)</sup>

به‌طور مثال ابن جوزی فقیه، مورخ عمومی‌نویس، علی‌رغم اینکه اثرش «المنتظم» یک تاریخ عمومی است، اما در عمل به واسطه اقامت در بغداد و عدم دسترسی به اطلاعات و اخبار تحولات نواحی دیگر، مگر در مواردی معدود، به طور کل اخبار و گزارش‌های وی در حوزه عراق به مرکزیت بغداد محدود و متمرکز شده است و اطلاعات او در مورد تحولات نواحی مرکزی و جنوبی ایران، محدود و هر اندازه که به سمت تحولات خراسان نزدیک‌تر می‌گردد، اخبارش کلی و پراکنده و در موارد متعدد دچار انقطاع زمانی می‌گردد. ویژگی اخبار و اطلاعات تواریخ سلسله‌ای هم از حیث تمرکز در رویدادهای حوزه عراق عجم و عرب قابل توجه است. به طور میانگین تقریباً دو سوم حجم اطلاعات و اخبار تواریخ سلسله‌ای، متعلق به رویدادهای قلمرو سلجوقیان عراق است. اخبار این آثار در مورد تحولات مناطقی مانند فارس، کرمان، یزد، طبرستان و گرگان کاملاً اندک است و در مورد برخی نواحی دیگر مانند خراسان، خوارزم و ماوراءالنهر به جهت بعد مکانی و کیفیت منابع اطلاعاتی مورد دسترس، دچار محدودیت‌های خاص است.

علی‌رغم اینکه حوزه‌های مهمی چون خراسان و ماوراءالنهر و خوارزم در شکل‌گیری و تداوم حکومت سلجوقیان منشأ تحولات اساسی بوده‌اند و از مراکز مهم اقتصادی و اداری قلمرو سلجوقی محسوب می‌شدند، میزان اخبار و اطلاعات موجود در مورد تحولات این حوزه‌ها، در مقایسه با اهمیت و تأثیرگذاری‌شان اندک و ناچیز است. حتی در شرق امپراطوری سلجوقی، اطلاعات و اخبار تاریخی درباره سلجوقیان و حکومت آنان به حدی اندک و ناچیز بوده است که مورخی مانند منہاج سراج که همزمان با اواخر سلطنت سلطان سنجر، در قلمرو غوریان اثرش را می‌نوشت، درباره اخبار تحولات عصر سلطان طغرل و آل ارسلان و ملک‌شاه، دچار افسانه‌پردازی‌ها و اشتباهات فاحش شده است،<sup>(۱۳)</sup> یا تاریخ عمومی مجهول المؤلف «مجملة التواریخ و القصص» که در اواخر دوره سلطنت سلطان سنجر تألیف یافته، اخبار و اطلاعاتی که در مورد سلجوقیان ارائه می‌دهد، چنان اندک و کلی است که در نبود آن هم تغییری در

دانش تاریخی ما نسبت به تحولات و رویدادهای دوره سلجوقی ایجاد نمی‌شود.<sup>(۱۴)</sup> حتی اخبار تاریخ‌الوزراهای این دوره هم که اطلاعاتشان صرفاً محدود به تحولات وزارت، بعد از سال ۴۸۵ هـ.ق. یعنی دوران انحطاط نهاد وزارت است، صرفاً در حوزه حکومتی و دیوان وزارت سلجوقیان عراق محدود شده و درباره تحولات وزارت در حکومت سلطان سنجر در خراسان، اطلاعاتشان مجمل و پراکنده است. تاریخ‌الوزراهای این دوره هم حتی درباره تاریخ وزارت در ایام شکوه این نهاد، یعنی در دوره عمیدالملک کندی و خصوصاً وزارت سی ساله نظام‌الملک، اطلاعات اندکی ارائه می‌دهند.<sup>(۱۵)</sup> در مجموع، مورخین این دوره از لحاظ ارائه اخبار و اطلاعات درباره عصر سلجوقی نتوانسته‌اند به یکسان در گستره قلمرو سلجوقی و نظام سیاسی موجود عمل کنند. حتی اطلاعات مورخی مانند ابن‌اثیر در مورد تحولات حوزه‌هایی مانند کرمان و سیستان و طبرستان، اندک و پراکنده است و تنها تواریخ سیاسی - محلی تألیف یافته در این نواحی مانند آثار افضل‌الدین کرمانی و تاریخ سیستان مجهول المؤلف و تاریخ طبرستان ابن اسفندیار توانسته است تا حدی کمبود اطلاعات تواریخ عمومی و سلسله‌ای را جبران کند.<sup>(۱۶)</sup>

جدای از اینکه غالب اخبار تواریخ عمومی و سلسله‌ای عصر سلجوقی با کاستی‌های خاص خودشان، متمرکز در حوزه‌های اداری و سیاسی عراقین عرب و عجم است، به لحاظ محدوده زمانی هم اخبار این آثار، دچار محدودیت‌های خاص می‌باشد. به استثنای تواریخ محلی تاریخ سیستان و فارسنامه ابن بلخی، کل تواریخ موجود متعلق به عصر سلجوقی به طور تقریبی از سال ۵۶۰ هـ.ق. به بعد تألیف شده‌اند، در حالی که در مقطع مذکور، شاخه سلجوقیان خراسان منقرض شده و حکومت سلجوقیان عراق و کرمان رو به ضعف و انحطاط بود.

اگر محدودیت اخبار و اطلاعات این آثار را در حوزه‌های جغرافیایی ذکر شده، با محدوده زمانی تألیف این آثار یکجا مورد توجه قرار دهیم، به خوبی شاهد کاستی‌های اساسی در اخبار و گزارش‌های ارائه شده در آثار تاریخی این دوره خواهیم بود. از یک سو، فراگیری و گستردگی اخبار این آثار به یکسان شامل گستره جغرافیایی قلمرو سلجوقیان نمی‌گردد و از دیگر سوی، غالب این آثار در اواخر حکومت سلجوقیان تألیف یافته‌اند. در واقع، تواریخ موجود عصر سلجوقی، میراث دوره انحطاط حکومت سلجوقی هستند و شاید به همین خاطر، این آثار هم از حیث کیفیت اطلاعاتی که ارائه

داده‌اند در قیاس با تواریخ عصر غزنوی (نمونه: *تاریخ بیهقی*) و آل‌بویه (نمونه: *تجارب‌الامم* ابن مسکویه) دچار انحطاط اساسی شده‌اند. هر اندازه مورّخین عصر سلجوقی از تحولات زمانی خودشان دورتر شده‌اند، به همان اندازه از سطح و میزان اطلاعات آنان کاسته شده است، چرا که امروز به استثنای تواریخ محلی مذکور، هیچ‌گونه اثر تاریخی نداریم که درباره سلجوقیان قبل از محدوده سال ۵۶۰ هـ.ق. تألیف شده باشد. سؤالی که مطرح می‌گردد این است که آثار تاریخی تألیف یافته بعد از مقطع مذکور با یک فاصله زمانی بیش از یک قرن از ابتدای شکل‌گیری حکومت سلجوقیان، چگونه توانسته‌اند اخبار و اطلاعاتی را درباره گذشته تاریخی سلجوقیان و لو به شکل کلی و پراکنده ارائه دهند؟

اینجاست که برمی‌گردیم به یکی از حلقه‌های مفقوده تاریخی‌نگاری عصر سلجوقی و یکی دیگر از محدودیت‌های موجود در سر راه شناخت تاریخ تحولات ایران عصر سلجوقی، که موضوع مبحث بعدی است؛ یعنی آثار تاریخی مفقوده دوره سلجوقی که از همان ابتدای ورود سلجوقیان به خراسان با تألیف کتاب *ملک‌نامه* شروع شده و تا سال ۵۶۰ هـ.ق. تداوم یافته بود. مورّخین عصر سلجوقی که بعد از سال ۵۶۰ هـ.ق. شروع به تألیف آناری درباره حکومت سلجوقیان کرده بودند، اعم از مورّخین تواریخ سلسله‌ای، عمومی و تاریخ‌الوزراها، منابع اطلاعاتی‌شان درباره شکل‌گیری حکومت سلجوقیان و دوران اوج قدرت این حکومت و زوال تدریجی آن بر اساس همان آثار تاریخی تألیف یافته مفقوده، قبل از مقطع سال ۵۶۰ هـ.ق. بوده است.<sup>(۱۷)</sup> مورّخین دوره انحطاط، در مورد تاریخ تحولات بعد از مقطع مذکور بیشتر متکی به شواهد خودشان و روایات دیگر شاهدان عینی رویدادها بوده‌اند. در مجموع، منابع تاریخی عصر سلجوقی، خصوصاً تواریخ عمومی و سلسله‌ای و تاریخ‌الوزراها که امروزه در دسترس هستند، در قلمرو و سال‌های پایانی حکومت سلاجقه عراق تألیف شده‌اند و اطلاعات آنها بیشتر متمرکز بر تحولات حکومت سلاجقه عراق و حوزه‌های سیاسی و دینی عراقین عجم و عرب است. این آثار محصول دوران تجزیه و انحطاط امپراطوری سلجوقی است و به همین خاطر، بیشتر، اخبار رویدادها و تحولات این دوره زمانی را به تصویر کشانده‌اند، آن هم نه کل رویدادهای این دوره بلکه تنها نیمه غربی آن را. درباره نیمه شرقی تحولات این دوره، یعنی قلمرو سلطان سنجر از ری تا جیحون و خوارزم، اطلاعاتشان اندک و مجمل و پراکنده است و تنها برخی رویدادهای مهم خراسان را که در غرب

امپراطوری و در حوزه عراق بازتاب گسترده‌ای داشته، مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>(۱۸)</sup> حتی غالب تواریخ محلی تألیف شده در عصر سلجوقی مانند آثار افضل‌الدین کرمانی، ابن اسفندیار و ابن فندق هم محصول دوران انحطاط حکومت سلجوقی است. در واقع، آثار تاریخی موجود عصر سلجوقی بیشتر از آنکه تحولات دوران قدرت و شکوه امپراطوری سلجوقی و اقدامات صورت گرفته در آن را مورد توجه قرار دهند، تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی تألیف، تحولات دوران تجزیه و انحطاط حکومت سلجوقی را با تفصیل بیشتری انعکاس داده‌اند.

### ج) فقدان برخی منابع مهم تاریخی تألیف شده:

اگر مورّخین عصر سلجوقی به واسطه فقدان سیاست حکومتی سلجوقیان در حمایت از تاریخ‌نگاری، در تأمین اخبار و اطلاعات آثارشان دچار محدودیت‌ها و مشکلات متعدد مذکور بودند و به نوعی آن محدودیت‌ها از طریق آثار مذکور به محققین امروزی تاریخ تحولات عصر سلجوقی به ارث رسیده است، ناپدید شدن برخی آثار مهم تاریخی عصر سلجوقی که در گذشته در دسترس مورّخین عصر سلجوقی بوده، امروزه کار بررسی تاریخ تحولات این دوره را برای تاریخ‌نویس هرچه بیشتر مشکل کرده است. شاید در دوره اسلامی کمتر سلسله‌ای باشد که به اندازه سلجوقیان به تاریخ‌نگاری بی‌اعتنایی کرده باشد و یا این همه آثار تاریخی متعلق به خود را از دست داده باشد. در کتاب «بغیة الطلب فی تاریخ حلب» که در آن غالب منابع تاریخی عصر سلجوقی مورد استفاده قرار گرفته، اسامی کتب تاریخی متعددی ذکر شده است که بیش از چهل اثر تاریخی شناخته و ناشناخته را شامل می‌گردد. آگاهی از اسامی این آثار مفقوده که از شام تا خراسان تألیف شده بودند، دامنه وسیع ناپدید شدن آثار تاریخی این دوره را نشان می‌دهد. (ابن العدیم، صفحات متعدد)

تصور بر این است که تا حدی بین فقدان سیاست حکومتی در حمایت از تاریخ‌نگاری و از بین رفتن برخی تواریخ مهم تألیف یافته در عصر سلجوقی که با ذوق و علاقه شخصی مؤلفین شکل گرفته بودند، رابطه‌ای باشد. چرا که اگر حمایت مالی و حفاظتی حکومت، پشتیبان آثار تألیف یافته این دوره بود و آثار مذکور در نسخ متعدد استنساخ می‌یافتند، تا حدی از مفقود شدن یک‌جانبه آثار تاریخی تألیف شده کاسته

می‌شد. جالب اینکه کل آثار تاریخی مفقود شده، محصول دوران شکل‌گیری حکومت سلجوقیان و ایام قدرت و شکوه سیاسی و نظامی و اقتصادی امپراطوری سلجوقی بودند و به نوعی مؤلفین این آثار، شاهد تحولات این دوره از تاریخ سلجوقیان بوده‌اند.

آثار تاریخی مفقوده، جدای از محدوده زمانی تألیف، از حیث مکان تألیف هم قابل توجه است. دسته‌ای از این آثار در حوزه عراقین عرب و عجم تألیف شده بودند و دسته‌ای دیگر در حوزه خراسان. کل آثار مفقوده تاریخ عصر سلجوقی متعلق به قبل از سال ۵۶۰ هـ. ق. هستند. مؤلفین این آثار، شاهد رویدادهای بیش از سه چهارم دوره زمانی حکومت سلجوقیان در دو حوزه مهم اداری و سیاسی عراقین عرب و عجم و خراسان بوده‌اند. دوره‌ای که امروزه برای شناخت تاریخ تحولات آن، تنها محدود به آثاری هستیم که در اواخر حکومت سلجوقیان نگارش یافته‌اند و اخبارشان غالباً متکی بر آثار مفقوده تاریخی این دوره می‌باشد.

در حوزه عراقین عرب و عجم، از همان ابتدای شکل‌گیری حکومت سلجوقیان، آثار تاریخی قابل توجهی تألیف شده بود؛ از جمله اولین و مهمترین این آثار، تألیف ابوالحسن محمد بن هلال معروف به «غرس النعمة» بوده است. کتاب غرس النعمة در دو عنوان متفاوت در آثار متأخر ثبت شده است: «کتاب الربیع» (ابن العدیم، صص ۱۴ و ۳۴) و «عیون التواریخ». (ابن تغری بردی الاتابکی، ج ۵، ص ۱۲۶). تصور نمی‌رود که وی صاحب دو اثر تاریخی باشد، چرا که نویسندگان متأخر تنها به یک اثر تاریخی از وی اشاره کرده و آن را مورد استفاده قرار داده‌اند. غرس النعمة، شاهد رویدادهای دوره سلطان طغرل و سلطان آلب ارسلان و بخشی از سلطنت سلطان ملکشاه بوده است. با توجه به اینکه وی متوفای سال ۴۸۰ هـ. ق. است و اثرش ذیلی بر کتاب تاریخ پدرش بوده، (ابن الجوزی، ج ۹، صص ۵۲۶ و ۶۱۰؛ ابن تغری بردی، ج ۵، صص ۶۰ و ۱۲۶) می‌توان حدس زد که اثر غرس النعمة مشتمل بر رویدادهای سال‌های ۴۴۸ تا ۴۷۹ هـ. ق. بوده باشد. غرس النعمة بارها با سران حکومتی سلجوقیان و شخص عمیدالملک کندی، وزیر سلطان طغرل، مصاحب بوده و خلعت‌هایی را از وی دریافت داشته بود. (هندشاه نخجوانی، صص ۲۶۲ و ۲۶۹) اثر غرس النعمة حاوی اطلاعات ارزشمندی از مشاهدات عینی مؤلف و روایات شاهدان عینی فعال در رویدادهای حکومت سلجوقیان در دوره مذکور بوده است. متأسفانه فقدان اثر غرس النعمة منجر به آن شده است که درباره رویدادهای عصر

سلاطین قدرتمند سلجوقی مذکور، هیچ‌گونه اثر تاریخی معاصر و همزمان نداشته باشیم، و به تبع آن، میزان اطلاعات موجود درباره تاریخ سلجوقیان در مقطع مذکور، اندک و کلی است. دیگر اثر مفقوده این دوره از تاریخ سلجوقیان، ذیل و مکملی بوده بر کتاب غرس النعمة که با نام «*عنوان السیر فی محاسن اهل البدو و الحضر*» به وسیله محمد بن عبدالملک همدانی به نگارش درآمده بود. با توجه به مرگ همدانی در سال ۵۲۱ هـ. ق. و با توجه به اینکه اثر وی ذیلی بوده بر کتاب غرس النعمة، (ابن جوزی، ج ۱۰، ص ۲۲۷؛ ابن العدیم، صص ۹۱ و ۱۰۰ و ۱۵۴؛ ابن کثیر، ج ۶، ص ۶۹۶؛ ابن العماد حنبلی، ج ۲، ص ۳۷۰) می‌توان گفت کتاب «*عنوان السیر*» در برگیرنده رویدادهای سال‌های ۴۷۹ تا ۵۲۰ هـ. ق. بوده است؛ اخبار دوران اوج قدرت سلجوقیان در زمان سلطان ملکشاه و دوره بحران‌های جانشینی وی و سلطنت نسبتاً قدرتمند سلطان محمد تا تجزیه امپراطوری سلجوقی (۵۱۱ هـ. ق.) به دو حوزه خراسان و عراق. اثر محمد بن عبدالملک همدانی هم به اندازه کتاب غرس النعمة برای بررسی تحولات این دوره از تاریخ سلجوقیان ارزشمند و مکمل آن بوده است.

کتاب فارسی «*نفته المصدور فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور*» تألیف شرف‌الدین انوشیروان بن خالد کاشانی اهل قریه فین کاشان، از مهمترین آثار تاریخی عصر سلجوقی در تاریخ وزارت بوده است. این اثر، جدای از ارزش تاریخی قابل توجه آن، به لحاظ نثر ادبی به کار رفته در آن، الگوی ادبای طراز اول نثر فارسی در ادوار متأخر بوده است. (وراوینی، ص ۴) ارزش و اهمیت این اثر به این دلیل نسبت به دیگر آثار مفقوده، مضاعف می‌باشد که مؤلف آن، خود مدت‌ها در دربار سلاطین سلجوقی، صاحب مناصب مختلف از خزانه‌داری دربار (عمادالدین اصفهانی، صص ۱۲۵-۱۲۴) تا وزارت بوده است. انوشیروان طی دو دوره و در سال‌های ۵۲۱ و ۵۳۰ هـ. ق. وزارت سلطان محمود سلجوقی را داشته (عمادالدین اصفهانی، صص ۱۳۷-۱۳۶؛ ابن اثیر، ج ۹، ص ۶؛ ابن جوزی، ج ۱۰، صص ۲۳۰ و ۲۴۵) و در سال ۵۲۶ هـ. ق. یک دوره وزارت خلیفه المسترشد عباسی را عهده‌دار بوده است. (ابن جوزی، ج ۱۰، صص ۲۵۱ و ۲۶۱؛ ابن اثیر، ج ۹، ص ۵۴) در واقع، به لحاظ زمانی و محتوایی، اثر انوشیروان، در ادامه و مکمل کتاب عبدالملک همدانی به شمار می‌رود. چون انوشیروان در مرکز قدرت یعنی دربار و دیوان سلطنت و خلافت، عامل و شاهد رویدادها بوده، وجود اثر وی می‌توانست تصویر زنده و گویاتری از تحولات این

دوره از تاریخ سلجوقی را ارائه دهد. همان‌طور که از عنوان اثر پیداست کتاب *نقشه‌المصدر* در واقع در برگیرنده اخبار و تحولات وزارت در ایام فتور و انحطاط آن بعد از مرگ خواجه نظام‌الملک (۴۸۵ هـ. ق.) است، چرا که مطابق نوشته نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، ذیل‌نویس اثر انوشیروان، کتاب *نقشه‌المصدر* با رویدادهای دوره وزارت قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی، وزیر سلطان محمود - به سال ۵۲۵ هـ. ق. - خاتمه می‌یافت. (ابوالرجاء قمی، ص ۱) کتاب انوشیروان مبنا و اساس تاریخ‌الوزراهای متأخر تألیف شده، درباره تاریخ وزارت در عصر سلجوقی بوده است. جدای از این، *نقشه‌المصدر* از منابع اصلی عماد کاتب در تألیف کتاب «*نصرة الفترة و عصرة القطرة فی اخبار الدولة السلجوقیه*» بوده است. (عمادالدین اصفهانی، صص ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۶ و ۱۳۹)

همچنین در یک اثر ادبی کاملاً متأخر، در کتاب *تذکرة الشعراء* دولت‌شاه سمرقندی، از کتابی موسوم به «*تاریخ آل سلجوق*» از ابوطاهر خاتونی (دولت‌شاه سمرقندی، صص ۷۶ و ۷۷) یاد شده است که در حوزه عراق عجم و دربار سلاطین سلجوقی عراق، یعنی سلطان محمود و سلطان مسعود شکل گرفته بود، اما این کتاب بر خلاف عنوانش، با توجه به نقل‌قول‌هایی که دولت‌شاه از آن آورده و باز با توجه به اینکه این اثر در یک تألیف ادبی متعلق به شعراء و ادبا مورد استفاده قرار گرفته، می‌توان حدس زد که آن اثری تاریخی به شکل تواریخ معمولی نبوده، بلکه صرفاً یک اثر ادبی شکل‌گرفته در فضای درباری بوده که به تناسب، برخی رویدادهای دیوانی و درباری را به نظم کشیده بود. وجود این اثر هم، در غیاب تواریخ درباری می‌توانست برای فهم فضای حاکم بر دربار سلاطین سلجوقی سودمند باشد.

برخلاف حوزه عراقین عرب و عجم، ناحیه مهم و گسترده خراسان بزرگ با شهرهای پر جمعیت مرو و هرات و بلخ و نیشابور و نواحی تابعه خوارزم و ماوراءالنهر، از مناطقی بوده که در آن آثار تاریخی کمتری تألیف یافته است. به همین خاطر، مفقود شدن آثار تاریخی تألیف یافته در این حوزه در دوره سلجوقیان، تبعات منفی بیشتری در شناخت تحولات این ناحیه داشته است، چرا که در غیاب آثار تاریخی تألیف یافته در این حوزه، اطلاعات و شناخت ما صرفاً متکی بر آثاری است که در اواخر عصر سلجوقی در عراقین عرب و عجم تألیف شده‌اند. از جمله منابع مفقوده که اولین اثر تاریخی مؤلف در عصر سلجوقی به شمار می‌رفت، کتاب «*ملک نامه*» بود. این کتاب در



ناحیه خراسان و احتمالاً شهر مرو، محل حکومت چغری بک داود، شکل گرفته بود. کتاب «ملک نامه» در تاریخ و سرگذشت خاندان سلجوقی، حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره نحوه شکل‌گیری حکومت سلجوقیان و دوره حکومت چغری بک در خراسان (۴۵۲ - ۴۳۱ هـ.ق.) بوده است. گرچه برخی از اخبار و روایات اغراق‌آمیز و حتی غیرواقعی درباره سرگذشت خاندان سلجوق و حتی اقدامات چغری بک داود از طریق این اثر به آثار متأخر راه یافته است،<sup>(۱۹)</sup> اما در فقدان این اثر، اطلاعات موجود درباره تحولات خراسان در هنگام شکل‌گیری حکومت سلجوقیان و تاریخ و سرگذشت خاندان سلجوقی قبل از تشکیل حکومت، اندک و صرفاً مبتنی بر اخبار و روایاتی مجمل و گزیده است.

بعد از یک وقفه طولانی، در نیمه دوم سده ششم هجری بود که ابوالحسن بیهقی معروف به ابن فندق سعی کرد با تألیف دو اثر تاریخی «مشارب التجارب» و «تاریخ بیهقی»، سنت تاریخ‌نویسی را در خراسان عصر سلجوقی تجدید کند. متأسفانه مهمترین اثر تاریخی وی که به نوعی مهم‌ترین اثر تاریخی تألیف یافته در خراسان عصر سلجوقی بوده، یعنی کتاب «مشارب التجارب» در زمره منابع مفقوده می‌باشد. تألیف این اثر قبل از تاریخ بیهقی و احتمالاً در سال ۵۶۰ هـ.ق. صورت گرفته بود؛<sup>(۲۰)</sup> تقریباً یک دهه بعد از زوال حکومت سلطان سنجر در خراسان. قصد مؤلف، نوشتن تاریخی بوده که در ذیل تاریخ یمینی باشد و به همین خاطر در تاریخ بیهقی خاطر نشان می‌سازد که «من از آخر کتاب یمینی تاریخی ساختم، نام آن مشارب التجارب و غوارب الغرایب الی یومنا هذا». (ابن فندق، ص ۲۰) جوینی در تاریخ جهانگشا به اشتباه کتاب مشارب التجارب را ذیل تجارب الامم ابن مسکویه عنوان کرده است. (جوینی، ج ۲، صص ۱-۲) با توجه به اینکه خاتمه تاریخ یمینی اثر تاریخی متعلق به سلطنت سلطان محمود غزنوی یمین‌الدوله در سال ۴۱۰ هـ.ق. بوده، ابن فندق تاریخ تحولات خراسان را از سال مذکور تا رویدادهای سال ۵۶۰ هـ.ق. در کتاب مشارب التجارب ثبت کرده بود. این اثر یک دوره کامل از تاریخ خراسان عصر سلجوقی بوده است که اخبار آن از تحولات قبل از حضور سلجوقیان در خراسان شروع شده و تا بعد از پایان سلطنت طولانی سلطان سنجر تداوم می‌یافته است. فقدان این اثر به شکل قابل توجهی منجر به کاسته شدن از اطلاعات موجود درباره تحولات خراسان عصر سلجوقی شده است.

از دیگر آثار تاریخی تألیف یافته در خراسان کتاب حجیم «تاریخ مرو» اثر ابوسعید

عبدالکریم ابوالمظفر سمعانی مروزی بوده است. سمعانی از جمله علمای دینی معاصر سلطان سنجر و شاهد رویدادهای شهر مرو، پایتخت حکومت سلطان سنجر در خراسان بوده و روابط نزدیک با وی داشته است. ابن خلکان، تاریخ مرو را در بیش از بیست مجلد ذکر کرده است. (ابن خلکان، ج ۱، صص ۳۲۷-۳۲۶) فقدان این اثر مهم، منجر به آن شده است تا از تحولات شهر مرو و نواحی مجاور آن که مرکز سیاسی و اداری خراسان بوده، اطلاعات قابل توجهی نداشته باشیم. فقدان غالب بخش‌های تاریخ بیهقی هم که در زمان خودش به «تاریخ ناصری» شناخته می‌شد، منجر به مبهم ماندن بخشی از تحولات شرق قلمرو امپراطوری سلجوقی شده است. هرچند این اثر، تاریخ درباری متعلق به غزنویان بوده، اما چون در محدوده سال‌های ۴۱۶ هـ.ق. تا ۴۷۰ هـ.ق. روابط غزنویان با سلجوقیان را مورد توجه قرار داده بود، اثری ارزشمند در شناخت روابط طرفین به شمار می‌رفته است. اثر بیهقی در اصل دربرگیرنده رویدادهای خراسان از ابتدای عصر سبکتکین تا اوّل ایام سلطان ابراهیم غزنوی بوده است. ابن فندق «تاریخ ناصری» را در سی مجلد، ذکر و مجلداتی از آن را در کتابخانه‌های سرخس و نیشابور مشاهده کرده بود. (ابن فندق، صص ۱۷۸-۱۷۵)

امروزه تنها بخش‌هایی از اثر بیهقی که مربوط به دوره سلطنت سلطان مسعود است، باقی مانده و یکی از بهترین آثار این دوره در تاریخ سلجوقیان و روابط آنان با غزنویان در ابتدای ورود به خراسان می‌باشد. همچنین درباره تحولات خراسان و حکومت سنجر از کتابی موسوم به «سنجرنامه» یاد شده که این اثر هم مانند اثر خاتونی، یک کتاب تاریخی به شکل معمول آن نبوده است. این کتاب، اثری بوده منظوم در شرح اقدامات و فعالیت‌های سلطان سنجر که تنها در اثر ابن اسفندیار یعنی تاریخ طبرستان به وجود آن اشاره شده است. ابن اسفندیار از این اثر درباره اخبار برخی لشکرکشی‌های سلطان سنجر به عراق عجم استفاده و یاد کرده است. (ابن اسفندیار، صص ۵۴ و ۷۲) در مورد اینکه سنجرنامه منظوم در برگیرنده کل رویدادهای سلطنت سنجر بوده یا بخشی از آن را شامل می‌شده، اطلاعی در دست نیست، اما خبری که ابن اسفندیار از اثر مذکور استفاده کرده، مربوط به لشکرکشی سنجر در ۵۲۶ هـ.ق. به شهر ری و انتصاب سلطان طغرل بن محمد به سلطنت عراق از طرف اوست. در نبود اثری تاریخی مربوط به سلطنت سلطان سنجر که به شکل مستقل و مستقیم، اخبار آن را انعکاس دهد، وجود سنجرنامه می‌توانست برای دوره حکومت وی و فهم آن سودمند باشد.

### نتیجه:

فقدان سیاست رسمی سلجوقیان در حمایت از تاریخ‌نگاری و گسترده‌گی قلمرو حکومت سلجوقی، مانع از آن شده است که مورّخین این دوره بتوانند اخبار تحولات کل قلمرو سلجوقی را به یکسان در آثار خود منعکس سازند. البته صرف درباری و رسمی بودن تاریخ‌نگاری یک دوره برای آن مزیت محسوب نمی‌شود و حتی بر تاریخ‌نگاری رسمی، انتقاداتی وارد است که در مورد تواریخ غیر درباری وجود ندارد. اما این مسئله هم واقعیت دارد که در ایران دوره اسلامی، مهمترین منابع تاریخی در ادواری تألیف یافته‌اند که مورّخین و حرفه تاریخ‌نگاری مورد حمایت حکومت و دیوانیان و اهل قدرت بوده است. مانند تاریخ‌نگاری ادوار غزنوی و آل بویه و مغول در دوره‌های تاریخی قبل و بعد از سلجوقیان. اگر کیفیت و سطح اخبار و اطلاعات موجود در منابع تاریخی ادوار مذکور با سطح و سبک اخبار ارائه شده در منابع تاریخی عصر سلجوقی مقایسه شود، به خوبی می‌توان به پیامدهای عدم حمایت دولت سلجوقی از تاریخ‌نگاری پی برد.

با توجه به اینکه تاریخ‌نگاری سنتی بیشتر در زمینه پرداختن به تحولات سیاسی و مناسبات قدرت در حکومت و روابط صاحبان و فعالان قدرت، متمرکز بوده و دیگر تحولات جامعه را هم از این زاویه مورد توجه قرار می‌داده، از این لحاظ، فقدان سیاست رسمی دولت سلجوقی در حمایت از تاریخ‌نگاری، منجر به آن شده است که تواریخ عصر سلجوقی در فضایی بیرون از عرصه ساختار سیاسی به نگارش درآید. همین امر هم باعث شده است که مورّخین این دوره، علی‌رغم آزادی عمل در نگارش اخبار، صرفاً به کلیات اخبار تحولات این دوره دسترسی داشته باشند و همین مسئله شناخت تاریخی مورّخین امروزی را از تفصیل و جزئیات وقایع این دوره، دچار محدودیت‌های خاص کرده است. حتی تصور بر این است که فقدان حمایت دولت از تاریخ‌نگاری و مورّخان باعث شده است که تاریخ‌نگاری عصر سلجوقی به میزان قابل توجهی در قیاس با تاریخ‌نگاری ادوار غزنوی و آل بویه، از حیث کیفیت نگارش و سطح اخبار موجود در آن دچار انحطاط و سیر قهقرایی شود. حتی می‌توان احتمال داد که بین فقدان سیاست دولت سلجوقی در حمایت از تاریخ‌نگاری و محدودیت زمانی و مکانی اخبار منابع تاریخی و از بین رفتن برخی منابع مهم تاریخی دیگر رابطه وجود داشته باشد، چرا که

در صورت حمایت‌های دولت از حرفه تاریخ‌نگاری و مورخان این دوره در زمینه‌های مسائل مالی و ارائه منابع اطلاعات و اخبار، مورخان این دوره به یکسان می‌توانستند اخبار گستره قلمرو سلجوقی را از ماوراءالنهر تا عراق پوشش دهند؛ حتی از بین رفتن برخی از مهمترین منابع تاریخی این دوره می‌تواند ناشی از مشکلات و مسائل مالی در نگارش و استنساخ و نحوه نگهداری آثار مکتوب باشد و وجود حمایت‌های مالی دولت در این زمینه می‌توانست به حد قابل توجهی از مفقود شدن منابع تاریخی جلوگیری کند. تحت تأثیر عنصر عدم فراگیری اخبار غالب منابع تاریخی در سطح قلمرو سلجوقیان در ایران، شناخت تاریخ تحولات حوزه‌های جغرافیایی شرق امپراطوری سلجوقی (ری تا جیحون) در قیاس با تحولات غرب آن، به جهت تألیف غالب آثار تاریخی موجود در غرب امپراطوری (حوزه‌های عراقین عرب و عجم)، دچار برخی کاستی‌هاست. از بُعد زمانی هم به واسطه از بین رفتن غالب آثار تألیف یافته در دوران شکل‌گیری و قدرت امپراطوری سلجوقی و تألیف آثار موجود تاریخی در اواخر حکومت سلجوقیان، آگاهی‌های موجود از تحولات دوره اول حکومت سلجوقیان در مقایسه با وسعت اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته در آن اندک است.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- شعرای درباری متعددی در دربارهای سلاطین سلجوقی حضور داشتند که دیوان‌هایی را در مدح و ستایش آنها سروده بودند. حتی در بیرون از فضای دربار، شعرای مختلفی بودند که در اشعار خود به فارسی و عربی سلاطین و وزرای سلجوقی را مدح گفته بودند. برخلاف مورخین که در بیرون از مراکز حکومتی آثار خود را می‌نوشتند، شعرای درباری همواره ملازم و همراه صاحبان قدرت بودند. بنگرید به: دیوان امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری؛ الباخری، ج ۱، صص ۲۷۶-۲۲۲؛ دیوان انوری.
- ۲- با توجه به استفاده مستقیم میرخواند در قرن ۹ هجری در هرات از کتاب *ملک نامه* و اخباری که وی از طریق این اثر در مورد اقدامات سلجوقیان با محوریت فعالیت‌های چغری بک داود نقل کرده، می‌توان حدس زد که *ملک نامه* به توصیه و اقدام چغری بک تألیف شده باشد. بنگرید به: میرخواند، ج ۴، صص ۲۴۳-۲۳۸.
- ۳- ابن فضلان در سال ۳۰۹ هجری، مستقیماً زندگی و نوع اعتقادات قبایل ترکان غز را مشاهده کرده بود. بنگرید به: ابن فضلان، صص ۷۰-۶۷؛ رشیدالدینج ۱، صص ۵۱-۴۹.
- ۴- می‌توان احتمال داد که سه اثر تاریخی متأخر علی‌رغم اینکه به لحاظ زمان و مکان تألیف از هم متفاوت بوده‌اند، خبر اسلام آوردن سلجوقیان را در زمان تفاق پدر سلجوق، از کتاب *ملک نامه* نقل کرده‌اند. بنگرید به: ابن‌العديم، صص ۱۶، ۳۲ و ۳۳؛ صدرالدین الحسینی، صص ۲۹-۲۷ و صص ۲-۱؛ میرخواند، صص ۲۴۰-۲۳۵.
- ۵- برای مثال درباره نوع نگرش مورخین عصر سلجوقی نسبت به سلطنت سلجوقیان و جایگاه سلاطین سلجوقی و مقام و جایگاه سلطان آلب ارسلان در واقعه ملازگرد بنگرید به: صدرالدین الحسینی، صص ۴۹-۴۷؛

اصفهانی، صص ۳۸-۳۹؛ ظهیرالدین، ص ۲۶؛ ابن الاثیر، ج ۸، صص ۳۵۹ و ۲۲۳ و ۲۲۶ و ابن جوزی، ج ۹، صص ۴۹۱-۴۸۷.

۶- سبط ابن جوزی مورخ قرن ۷ هجری شکست سلطان سنجر را به سال ۵۳۶ هـ. ق. از ترکان خطا در نبرد قطوان، ناشی از انتقام خداوند از سلطان سنجر در قبال رفتارش با خلیفه‌المسترشد عباسی می‌داند. چرا که خلیفه‌ی مذکور بعد از شکست از سلطان محمود حاکم سلجوقی عراق، در پی یک دوره سرگردانی در مراغه به دست ملاحده کشته شد و به عقیده سبط بن جوزی هلاک و بدبختی وارد شده بر سلطان سنجر در جنگ مذکور ناشی از کوتاهی وی در قبال خلافت بوده است. بنگرید به: سبط ابن جوزی، ج ۸، ص ۱۸۰.

۷- ما از دوران شکوه اصفهان اطلاعات و اخباری بیش از یک صفحه در منابع عصر سلجوقی نداریم. بنگرید به: ظهیرالدین، ص ۳۲؛ صدرالدین الحسینی، ص ۵۸؛ اصفهانی، ص ۶۵.

۸- تنها برخی از مکتوبات و نامه‌های حکومتی ارزشمند متعلق به سلاطین، علما، خلفا و امرای این دوره در آثار تاریخی و ادبی به شکل پراکنده آمده است. این مکتوبات همگی به زبان عربی هستند و در مجموعه آثار متعلق به مکتوبات عصر سلجوقی موجود نیستند. ابن جوزی، ج ۹، صص ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۴۱ و ۵۴۵؛ هندوشاه ص ۲۵۸؛ الباخری، ج ۲، صص ۱۰۹-۱۰۷ و صص ۳۱۷-۳۱۵.

۹- از مورّخین این دوره، انوشیروان خالد کاشانی مؤلف *نفثة المصدور* چندین دوره در مقام وزارت حضور داشته است. اثر وی در زمره آثار مفقوده این دوره می‌باشد که در قسمت مربوط به آثار تاریخی از بین رفته، درباره ویژگی‌های آن بحث شده است. ظهیرالدین نیشابوری مؤلف *سلجوقنامه* علی‌رغم اینکه مدتی مرتب برخی از شاهزادگان سلجوقی عراق بوده، اثرش دارای حجم اندک و صرفاً مشتمل بر اخبار مجمل و کلی است. افضل‌الدین کرمانی مؤلف آثار ارزشمندی در تاریخ سلجوقیان کرمان، مدتی مقام منشی‌گری و طبابت را در اواخر حکومت سلجوقیان کرمان در دربار آنها تجربه کرده بود. بنگرید به: راوندی، صص ۶۴ و افضل‌الدین کرمانی.

۱۰- عبدالرحمن ابن جوزی فقیه- مورّخ حنبلی که به سال ۵۱۰ هـ. ق. در بغداد متولد شده بود، اثرش را در دارالخلافة بغداد در دوران روابط بحرانی خلافت و سلطنت سلجوقی می‌نوشت. وی اثرش را با محوریت تحولات عراق عرب و عجم و خصوصاً رویدادهای مرتبط با بغداد به نگارش درآورده است. ابن جوزی اثرش را با رویدادهای سال ۵۷۴ هجری به پایان رسانده است. بنگرید به: سبط ابن جوزی، ج ۸، ص ۴۸۱ و ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۰، ص ۵۲۴.

عزالدین ابن الاثیر جزری متولد سال ۵۵۵ هجری در جزیره ابن عمر در شمال عراق از توابع موصل، اثر مشهور خود را به نگارش درآورده بود. بنگرید به: ابن خلکان، ج ۱، ص ۳۷۸.

۱۱- کل تواریخ سلسله‌ای مربوط به سلجوقیان مانند *سلجوقنامه*، *اخبارالدولة السلجوقیه*، *زبدة النصره* و *نخبة العصرة* و *راحة الصدور* و *آية السرور* همگی در دوره انحطاط و اواخر حکومت سلجوقیان عراق و در حوزه عراق عجم نگارش یافته‌اند. *نفثة المصدور* از بین رفته و *تاریخ الوزرای ابوالرجای* قمی هم محصول حوزه‌ی مکانی و زمانی مذکور است.

۱۲- *الکامل* ابن اثیر، جدای از اینکه دارای اطلاعات مفصل و قابل توجهی درباره تحولات عراقین عرب و عجم است، برخلاف آثار مورّخین این دوره، در مورد حوزه‌های شرق قلمرو سلجوقی مانند خراسان، خوارزم و ماوراءالنهر، دارای اطلاعات ارزشمند و نسبتاً منحصر به فردی است. مزیت اثر ابن اثیر در مورد تحولات شرق، ناشی از دسترسی وی به کتاب ارزشمند مفقوده این دوره یعنی «*مشارب التجارب*» ابوالحسن بیهقی و در کنار آن

- به قول ابن‌اثیر - به «دسترسی از آثار سایر مورّخین» بوده است. متأسفانه ابن‌اثیر چندان علاقه‌ای به ذکر منابع خود نداشته است. به عنوان یک استثناء به اثر ابوالحسن بیهقی اشاره کرده و بقیه منابع خود را به شکل مبهم بیان داشته است. بنگرید به: ابن‌اثیر، ج ۹، ص ۳۷۴.
- ۱۳- برای مثال جهت آگاهی از گزارش‌ها و اطلاعات آمیخته به اشتباهات و خطاهای منهاج سراج از دوره سلطنت طغرل تا سلطان سنجر بنگرید به: منهاج سراج، صص ۲۷۰-۲۵۰.
- ۱۴- تنها اطلاعاتی که در این اثر وارد شده است، مربوط به القاب و کنیه و طغراهای سلاطین سلجوقی و اندک روایات تاریخی دیگر می‌باشد. بنگرید به: *مجمّل التواریخ و القصص*، صص ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۳۱ و ۳۳۲.
- ۱۵- دو اثر در مورد تاریخ وزارت در قلمرو سلجوقیان عراق تألیف شده بود؛ *نقشه المصدر* انوشیروان خالد که در زمره آثار مفقوده است و *تاریخ الوزراء* ابوالرجاء قمی که در حکم ذیلی بوده بر اثر انوشیروان خالد. هر دو اثر با محوریت تحولات وزارت در حوزه عراق عجم به نگارش درآمده بود. بنگرید به: ابوالرجاء قمی، ص ۱.
- ۱۶- از جمله آثار ارزشمند تألیف شده در مورد حوزه‌های مذکور که از بهترین تواریخ محلی تألیف شده در این دوره می‌باشد، عبارتند از: تاریخ سیستان مجهول المؤلف، آثار افضل‌الدین ابو حامد کرمانی یعنی «*عقد العلی للموقف الاعلی*»، «*بدایع الازمان*»، «*المضاف الی بدایع الازمان*» که همگی در یک اثر متأخر در کتاب «*سلجوقیان و غز در کرمان*» بازنویسی شده‌اند و تنها آثار متعلق به تاریخ کرمان و حکومت سلجوقیان کرمان هستند. *تاریخ طبرستان* ابن اسفندیار هم دارای اطلاعات ارزشمندی درباره طبرستان و گرگان می‌باشد.
- ۱۷- میزان استفاده مورّخین این دوره از آثار مفقوده، قابل توجه است. همه مورّخین این دوره از ابن‌اثیر و ابن جوزی و عماد کاتب و ابوالفوارس حسینی و ابوالرجاء قمی و ابن اسفندیار در مورد رویدادهای قبل از زمان خودشان، متکی بر اخبار و اطلاعات تواریخ مفقوده این دوره بوده‌اند که در مبحث آثار مفقوده بدانها اشاره شده است.
- ۱۸- در خراسان و ماوراءالنهر تحولات دو مقطع زمانی خاص به علت بازتاب‌ها و تبعات گسترده آنها به تفصیل مورد توجه مورّخین ساکن در حوزه عراقین عرب و عجم قرار گرفته است؛ واقعه شکست قطوان به سال ۵۳۶ هجری که در آن اردوی عظیم سلطان سنجر، به دست ترکان غیر مسلمان خطا و قارلوق در هم شکسته شد و در جریان آن علمای زیادی در ماوراءالنهر کشته شدند و دیگری، واقعه هجوم غزان و اسارت سلطان سنجر به سال ۵۴۸ هجری و متعاقب آن غارت ماوراءالنهر و خراسان تا کرمان به دست غزان که در نهایت منجر به فروپاشی سلطنت سلطان سنجر شد.
- ۱۹- نسبت دادن اسلام آوردن سلجوقیان به زمان شخص دقاق و خواب دیدن شخص سلجوق که آینده مبتنی بر بخت و اقبال مساعد به خاندان وی نوید داده می‌شد. و ذکر خبری در امر غزای روم و انتساب آن به چغری بک، آن هم قبل از نبرد دندانقان در حالی که مطابق شواهد موجود چغری بک هیچ‌گاه از محیط خراسان به سمت غرب خارج نشده، از جمله اخبار اغراق آمیزی است که منشأ آنها از ملک نامه بوده است. برای آگاهی نسبی از محتوای کتاب ملک نامه که در ۳ اثر متأخر تاریخی استفاده شده بنگرید به: ابن‌العديم، صص ۱۶، ۳۲ و ۳۳؛ ابوالفوارس الحسینی، ص ۱، ۲۹-۲۷؛ میرخواند، ج ۴، صص ۲۳۵-۲۴۵.
- ۲۰- با توجه به اینکه ابن‌فندق متوفای سال ۵۶۵ هجری بوده و در سال ۵۶۳ هجری تاریخ بیهقی را تألیف کرده و تألیف *مشارب التجارب* قبل از تاریخ بیهقی صورت گرفته بود، می‌توان حدس زد که *مشارب التجارب* شامل اخبار رویدادهای خراسان تا سال ۵۶۰ هجری بوده است. در مورد شرح حال ابن‌فندق بنگرید به: بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (ابن فندق) (بی‌تا)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، کتابفروشی فروغی، بی‌جا، مقدمه

میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی.

### کتابشناسی:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، حَقَّقَه و اعتنى به الدكتور عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۷هـ.ق. / ۱۹۹۷ م.
- ۲- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمد رضائی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰.
- ۳- ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین یوسف، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، مطبعة دارالکتب، القاهرة، بی تا.
- ۴- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن، *المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم*، حَقَّقَه و قدم له الدكتور سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق. / ۱۹۹۵ م.
- ۵- ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، المجلد الاول، به سعی محمد باقر بن عبدالحسین خان بن محمد حسین خان صدراعظم، دارالطباعه آقا میرزا علی اکبر، تهران، ۱۲۸۴ هـ.ق.
- ۶- ابن العدیم، کمال الدین ابوالقاسم عمر، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، اعتنى بنشره و علق علیه الدكتور علی سویم، مطبعة الجمعية التاريخية التركية، انقره، ۱۹۷۶ م.
- ۷- ابن العماد حنبلی، عبدالحی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، المجلد الثاني، الجزء الثالث، المكتب التجاري للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، بی تا.
- ۸- ابن فضلان، *سفرنامه ابن فضلان*، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۵.
- ۹- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمینار، کتابفروشی فروغی، بی جا، مقدمه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی، بی تا.
- ۱۰- ابن کثیر، ابی الفدا اسماعیل، *البدایة و النهایة*، اعتنى به عبدالرحمن اللاذقی و محمد غازی بیضون، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۲۲هـ.ق. / ۲۰۰۲ م.
- ۱۱- ابوالرجاء قمی، نجم الدین، *تاریخ الوزراء*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۲- اصفهانی، عمادالدین محمد بن حامد، *تاریخ دولة آل سلجوق*، اختصار الفتح بن علی بن محمد البنداری، شرکت طبع الکتب العربیة، مصر، ۱۳۱۸ هـ.ق. / ۱۹۰۰ م.
- ۱۳- امیر معزی، *دیوان امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری*، با مقدمه و حواشی عباس اقبال، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۱۸.
- ۱۴- انوری، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، ج ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۱۵- الباخززی، *دمیة القصر و عصرة اهل العصر*، تحقیق الدكتور سامی مکی العانی، مطبعة النجف الأشرف، ۱۳۹۱هـ.ق. / ۱۹۷۱ م.
- ۱۶- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، *تاریخ بیهقی*، به کوشش علی اکبر فیاض، انتشارات دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۷- جوینی، عطاالملک علاءالدین، *تاریخ جهانگشا*، به سعی و اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مطبعه

- بریل، لیدن، ۱۳۳۴ هـ. ق. / ۱۹۱۶ م.
- ۱۸- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، *راحة الصدور و آية السرور*، تصحیح محمد اقبال، به انضمام حواشی و فهرس مجتبی مینوی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۳.
- ۱۹- رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۱، تهران، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۰- سبط ابن جوزی، شمس‌الدین ابی‌المظفر یوسف، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، حیدرآباد دکن، هند، مطبعة دایرة المعارف العثمانیة، هند، ۱۳۷۰ هـ. ق. / ۱۹۵۱ م.
- ۲۱- سمرقندی، دولت‌شاه بن علاء الدوله، *تذکرة الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، مطبعه بریل، لیدن، ۱۳۱۸ هـ. ق. / ۱۹۰۰ م.
- ۲۲- صدرالدین الحسینی، ابی‌الفوارس ناصر بن علی، *اخبارالدولة السلجوقیة*، تصحیح محمد اقبال، لاهور، ۱۹۳۳ م.
- ۲۳- کاشغری، محمود بن حسین، *دیوان لغات‌الترک*، ترجمه دکتر حسین محمدزاده صدیق، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۴.
- ۲۴- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، *المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان*، تصحیح و اهتمام عباس اقبال، چاپخانه مجلس، مقدمه اقبال، تهران، ۱۳۳۱.
- ۲۵- *مجملة التواریخ و القصص*، ویرایش سیف‌الدین نجم‌آبادی، زیگفرید وبر، دومونده؛ نیکاروزن، ۱۳۷۸.
- ۲۶- مشکور، محمدجواد، «ترکان و مهاجرت ایشان به ایران»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، سال پنجم، ش ۴، ۱۳۴۹.
- ۲۷- منهاج سراج، ابو‌عمر عثمان بن محمد، *طبقات ناصری*، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳.
- ۲۸- میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین، *تاریخ روضة‌الصفاء*، تهران، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۳۹.
- ۲۹- نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، *تجارب‌السلف*، تصحیح عباس اقبال، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۴.
- ۳۰- نیشابوری، ظهیرالدین، *سلجوقنامه*، به کوشش میرزا اسماعیل خان افشار، کلاله خاور، تهران، ۱۳۳۲.
- ۳۱- وراوینی، سعدالدین، *مرزبان نامه*، تصحیح محمد عبدالوهاب قزوینی، کتابخانه تهران، ۱۳۱۷.